



بررسی مردم‌شناسی زیورآلات پوشاک زنان و کودکان ترکمن

(زنان حافظ ثروت خانواده)

مهشید هاتفی^۱، سید سعید آقایی^۲، وحید رشیدوش^۳

^۱ دانشجوی دکترا، گروه مردم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. M.hatefi@iauctb.ac.ir

^۲ (نویسنده مسئول) استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. sae.Aghaei@iauctb.ac.ir

^۳ استادیار، گروه مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Vah.rashidvash@iauctb.ac.ir

چکیده

ترکمن‌ها در پوشاک و زیورآلات خود بسیار از طبیعت الهام می‌گیرند. یکی از اهداف متصل کردن زیورآلات به پیراهن، کمک به محافظت از چشم‌زخم و تقویت صفات نیکو در ترکمن‌ها بوده است. آن‌ها روی لباس کودکان‌شان زیورآلاتی به شکل تیر و کمان و شمشیر متصل می‌کردند تا بدین روش روحیه شادی و جنگجویی را در میان فرزندان خود تقویت کنند. در این پژوهش از رویکردی کیفی و روش میدانی به همراه کمک‌گرفتن از روش‌های مشاهده، مصاحبه و جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است. مبانی نظری برگرفته از گرایش انسان‌شناسی، زیبایی‌شناسی بومی است؛ بر این اساس از نظریه‌های اندیشمندانی چون کوت و مارسل موس استفاده شده است. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که زیورآلات ترکمن که معمولاً از جنس نقره یا ورشو است، به شکل گل یقه برای حفاظت از زن ترکمن یا زیورآلاتی با تولید صدا برای دور کردن نیروهای شر از خانواده ترکمن به‌خصوص کودکان یا همچون تومار به‌عنوان جای دعا کاربرد داشته است. نتیجه آنکه این زیورآلات از باورها و عقاید شمنیسم و توتمیسم آن‌ها در گذشته نشأت گرفته و بر پوشاک متصل می‌شده است و جنبه محافظت دارد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی مردم‌شناسانه زیورآلات پوشاک زنان و کودکان ترکمن.

۲. بررسی نقش باورهای ترکمن در زیورآلات پوشاک زنان و کودکان ترکمن.

سؤالات پژوهش:

۱. بررسی مردم‌شناسی باورها و عقاید ترکمن در ارتباط با زیورآلات متصل به پوشاک آن‌ها چگونه است؟

۲. باورهای ترکمن در مورد زیورآلات چگونه کاربرد پیدا کرده است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۳

دوره ۲۱

صفحه ۷۳۲ الی ۷۵۲

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۲۷

تاریخ داوری: ۱۴۰۲/۰۸/۲۱

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

انسان‌شناسی،

پوشاک،

زیورآلات،

بندر ترکمن،

زیباشناسی.

ارجاع به این مقاله

هاتفی، مهشید، آقایی، سعید، & رشیدوش،

وحید. (۱۴۰۳). بررسی مردم‌شناسی

زیورآلات پوشاک زنان و کودکان ترکمن)

زنان حافظ ثروت خانواده). مطالعات هنر

اسلامی، ۲۱(۵۳)، ۷۵۱-۷۳۲.



dorl.net/dor/20.1001.1.*

***** ***/



dx.doi.org/10.22034/IAS

.۲۰۲۴.۴۳۰۱۵۴.۲۳۲۵

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری "مهشید هاتفی" با عنوان "بررسی مردم‌شناسی پوشاک و زیورآلات قوم ترکمن" است که به راهنمایی دکتر "سید سعید آقایی" و مشاوره دکتر "وحید رشیدوش" در سال ۱۴۰۲ در دانشگاه "آزاد" واحد "تهران مرکزی" ارائه شده است.

مقدمه

انسان کهن در ابتدا برای زینت‌بخشیدن به خود از طبیعت الهام می‌گرفت و عموماً آراستن به‌صورت ایجاد جراحی بدن خود یا رنگ‌کردن اعضاء بدن خود شبیه به خالکوبی که عمدتاً میان مردان رایج بود، انجام می‌شد. پس از مدتی این نقوش که یک عمر بر بدن آن‌ها نقش بسته بود، روی پوشاک آن‌ها تحت‌عنوان زیورآلات پوشاک کاربرد پیدا کرد. علاقه به زیورآلات در میان ترکمن‌ها از نسل‌های گذشته تا به امروز در اشکال و با نیت‌های گوناگون وجود داشته است. چه در گذشته که به‌عنوان سپر جنگی همچون گل یقه استفاده می‌شده است و چه امروز که زینت‌بخش زن ترکمن در مراسم عروسی و مهمانی است. ساخت و تولید زیورآلات در ایران سبقت طولانی دارد. به این صورت که افراد ماهری با فلزات نیمه‌قیمتی همچون نقره و مس، برنج و ورشو در کنار سنگ‌های گران‌بها همچون عقیق به تهیه زیورآلات اقدام می‌کرده‌اند. این زیورآلات به‌دلیل زیبایی و ارزشمندبودن و نمادی از دارایی فرد چه در میان ترکمن‌ها و چه در میان دیگر اقوام ایرانی، همواره خواهان داشته است. در هنر زیورسازی ترکمن در گذشته به‌ندرت از طلا استفاده می‌شد؛ مگر برای طبقه اشرافی و متمول و تیره‌هایی که قدرت خرید بالایی داشتند. مطالعه زیورآلات ترکمن، اهمیت زیادی دارد، زیرا هرکدام از آن‌ها نشانی از آداب‌ورسوم و باورهای مردم ترکمن است.

این زیورآلات در گذشته وزن زیادی داشتند و استفاده روزمره از آن کار مشکلی به‌نظر می‌رسید؛ اما گویی به‌دلیل زندگی در کوچ، هرآنچه را که برای زن ترکمن ارزشمند بوده است، در نزدیک‌ترین حالت به خود نگه می‌داشته است؛ به‌طوری‌که انگار همواره خود را برای رفتن به میهمانی یا جنگ آماده می‌کنند. در گذشته زیورآلات ترکمن تنها وسیله‌ای برای خودتزیینی نبوده، بلکه وسیله‌ای برای دفاع از خود در جنگ‌ها بوده است. زنان ترکمن هم‌پای مردانشان می‌جنگیدند و قبه نوک تیز، حکم کلاه خود را داشت و الگوهایی که از مساعد تا آرنج را محافظت می‌کرد و گل یقه بزرگ زنانه حکم سپر و زره را داشتند؛ از طرف دیگر، صدای جیرینگ‌جیرینگ آن طلسم محافظتی است در برابر ارواح شرور که آن‌ها را از او دور می‌کند. لازم به ذکر است که تمامی زبورهای مربوط به ترکمن‌ها توسط زرگران و نقره‌سازان هنرمند محلی ترکمن ساخته می‌شوند که متأسفانه امروزه تعداد این هنرمندان روزبه روز کاهش می‌یابد. پوشاک و پارچه‌های اصیل و سنتی ترکمن نیز کم‌کم جای خود را به مصنوعات کارخانه‌ای داده و زیورهای قدیمی نیز کم‌کم فراموش شده و به‌جای آن‌ها انواع زیورآلات طلا و نقره‌ای رایج در تمام کشور استفاده می‌شود و «زنان ترکمن نیز عموماً در پی استفاده از شکل‌های مدرن جواهرات ساخته شده‌اند و کم‌تر خواهان استفاده از زیورآلات قدیمی و نقره‌ای می‌شوند» (محمدی، ۱۳۸۸: ۹۴). این موضوع تا جایی پیش رفته که امروزه تقریباً تمامی زیورآلاتی که متعلق به این مردم هستند دیگر در میان آن‌ها دیده نمی‌شود؛ به‌گونه‌ای که ترکمن‌ها باید امروز جواهرات سنتی خویش را از لابه‌لای آلبوم‌ها یا در غرفه‌های موزه‌ها یا پشت ویترین عتیقه‌فروشی‌ها جست‌وجو نمایند. به‌طور کلی زیورآلات زنان ترکمن را می‌توان به سه گروه بزرگ تقسیم کرد که عبارت‌اند از: «گروه اول زیورآلاتی هستند که مربوط به سر می‌باشند و در جلوی سر، پیشانی، موها یا در دو طرف کلاه وصل می‌شوند. گروه دوم زیورهایی هستند که به لباس متصل می‌شوند.

گروه سوم زیوریهایی هستند که به‌صورت مجزا مورد استفاده قرار می‌گیرند» (همان). در این تحقیق به مورد دوم یعنی زیورآلات پوشاک پرداخته می‌شود.

در مورد روش تحقیق نیز باید اشاره کنیم که پژوهشگر نخستین‌بار در تیر ماه سال ۱۴۰۰ برای انجام مطالعاتی به بندر ترکمن رفته و بازدید از بازار محلی و زیورآلات رنگارنگ و صحبت با کسبه بازار مرا به سمت مطالعه بیشتر درباره ویژگی‌های خاص و منحصربه‌فرد زیورآلات و نحوه استفاده آن در ارتباط با باورهای آنان جذب نموده است. در مردم‌نگاری، محقق برای مدتی در میدان تحقیق حضور پیدا می‌کند و به مشاهده، مصاحبه و جمع‌آوری اطلاعات بدون واسطه و به‌طور مستقیم می‌پردازد. در این روش، پژوهش از داده‌های دست اول که حاصل تجربه محقق است، شکل می‌گیرد. البته مطالعات اسنادی پیش از ورود به میدان تحقیق و آشنایی با فرهنگ و جغرافیای مردمان ترکمن در تسریع رسیدن به پاسخ پرسش‌های ذهنی پژوهشگر کمک‌کننده است. محقق به مدت یک سال به‌صورت پراکنده در منطقه مورد مطالعه حضور پیدا کرده و به گردآوری اطلاعات پرداخته است. از این جهت، تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بوده که در هدف توسعه‌ای و کاربردی است. گردآوری داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای و میدانی بوده و ابزار آن فیش‌برداری و مشاهده و بررسی پوشاک مردمان ترکمن بوده است.

در زمینه پیشینه تحقیق اگرچه پژوهش‌های فراوانی در این زمینه صورت گرفته است، اما در زمینه کاربرد زیورآلات زنان و کودکان ترکمن و مطالعه مردم‌شناسی پوشاک این قوم، کم‌تر تحقیقی در این زمینه نگاشته شده است. در ادامه به برخی از پژوهش‌هایی که به‌لحاظ موضوعی قرابت مفهومی بیشتری با پژوهش حاضر دارند، اشاره می‌کنیم: عسگری خانقاه و کمالی (۱۳۷۴) در کتاب «ایرانیان ترکمن»، کوشیده‌اند تا به بررسی و طبقه‌بندی خوراک، پوشاک، مسکن و تاریخچه سیاسی ترکمن‌ها بپردازند. این کتاب که سیر تحول ترکمن‌ها و ورود آن‌ها به ایران را شرح می‌دهد، در اصل کتابی توصیفی است که به جنبه‌های گوناگون زندگی ترکمن‌ها اشاره کرده است. محمدی (۱۳۸۸)، در تحقیق «پوشاک و زیورآلات مردم ترکمن»، با استفاده از روش میدانی، کوشیده تا در بخش اول به دسته‌بندی و معرفی زیورآلات و در بخش دوم مجموعه‌ای از عکس پوشاک و زیورآلات ترکمن را نشان دهد. رستمی و میر (۱۳۹۸) در تحقیق «تأثیر عقیده‌ها و باورهای دینی بر آرایه‌های زیورآلات ترکمن»، به بررسی باورهای دینی و شمنیسم بر اشکال گوناگون زیورآلات و نحوه استفاده از آن‌ها پرداخته‌اند. در این پژوهش از روش اسنادی و میدانی توأمان استفاده شده است و به این نتیجه رسیده است که باورهای دینی به دلیل پیشینه شمن‌پرستی و ارزش‌گذاری برای طبیعت در میان ترکمن‌ها، در ابعاد گوناگون زندگی آن‌ها نمایان است. حیدرزاده و حیدری (۱۳۹۶) در تحقیق «چتمه و باسمه ترکمن (مطالعه نگاره قوچ)»، ضمن بیان ویژگی‌های زیورآلات ترکمن، درخصوص چگونگی تأثیر باور و عقیده مردمان بر زیورآلات ترکمن، معتقدند که باورهای مذهبی تأثیری عمیق بر ویژگی این زیورآلات داشته است. روش این پژوهش کیفی است و نتیجه اینکه به‌دلیل زندگی بر پایه قوچ و دام‌پروری در میان ترکمن‌ها، قوچ دارای ارزش بسیار بوده و به‌عنوان نماد برکت در پوشاک و زیورآلات ترکمن دیده می‌شود.

بنابراین باتوجه به پیشینه تحقیق می‌توان به این نتایج دست پیدا کرد: نخست اینکه در زمینه وجه تمایز تحقیقات مورد اشاره با مقاله حاضر باید گفت که مطالعات پیشین در حوزه پوشاک قوم ترکمن بیشتر به توصیف و دسته‌بندی صرف پرداخته است و به شاخصه‌های هویتی و آداب و رسوم و مناسبت‌های گوناگون و نقش پررنگ پوشاک در آن‌ها توجه شایانی نشده است. دوم اینکه اگر چه اکثر پیشینه‌های یادشده سعی دارند چرایی و علت استفاده این حجم از زیورآلات با وزن‌های بسیار زیاد و تنوع گوناگون آن‌ها را در میان ترکمن‌ها یافته و با فرهنگ ایرانی - اسلامی پیوند داده، اما پژوهش نگارنده بیشتر بررسی مردم‌شناسانه و چگونگی کاربرد این زیورآلات در سنت‌ها و آیین این مردمان است. در نتیجه مسئله مهم بررسی عقاید و باورهای مردم ترکمن و نشان دادن تأثیر این باورها بر شیوه پوشش این قوم می‌باشد.

۱. ادبیات نظری

از نظریه‌پردازان حوزه هنر می‌توان به جرمی کوت^۱ اشاره کرد که معتقد است: «باید نظریه زیبایی‌شناسی را گسترش داد تا هنرهای بومی و سنتی را دربرگیرد؛ زیرا با دیدگاه غربی به زیبایی‌شناسی، برخی هنرها در این حوزه قرار می‌گیرند و برخی مانند هنرهای بومی از آن خارج می‌شوند» (Coote, ۱۹۹۲, ۲۴۱).

هر قبیله، هنر خاص خود را دارد و از دیدگاه و جهان‌بینی خاصی که در برگیرنده باورهایشان است، شکل می‌گیرد. یکی از شاخصه‌های جامعه قبیله‌ای منحصربه‌فرد بودن است که در بسیاری از موضوعات برای ابراز یکپارچگی و استقلال از هنر کمک می‌گیرند. در هنر بومی مشکل برقراری ارتباط با افراد بومی حل می‌شود، زیرا هنر بومی برای مردم و به‌وسیله مردم اجرا می‌شود و هنرمند ارزش‌ها و عقاید را نه تنها با مردم بلکه با تمام جامعه در میان می‌گذارد. وجود اشتراکات میان افراد جامعه و نمود آن در هنر باعث شناخت آن توسط افراد جامعه می‌شود. در صورتی که فهم آن برای افراد غیربومی مشکل است. بنابراین «هنر برای هنر در مورد هنر بومی بی‌معناست؛ زیرا هنر یک قبیله برای قبیله دیگر همان کارکرد را ندارد که برای جامعه‌ای که در آن خلق شده است. هنر بومی در جامعه خود پویا و زنده است» (Fagg, ۲۰۰۶: ۷۴-۷۵).

زیبایی‌شناسی و نماد در ایجاد هویت و انسجام جامعه نقش مهمی دارند. لذت‌بردن از حواس، تنوع اطلاعات شکل گرفته در ذهن و گذشته تجربه زیبایی‌شناسی را به وجود می‌آورد. ماهیت ادراک زیبایی‌شناسی با ایجاد ارتباط و شناخت از خود مرتبط است و نشانه‌های زیبایی معنایی ثابت تولید نمی‌کنند؛ زیرا دیدگاه هنرمند با هنرمند متفاوت است؛ بنابراین به‌طور کلی انسان‌شناسان بهتر از هر کسی می‌دانند که تا چه حدی دانش پس‌زمینه‌ای اجتماعی-فرهنگی برای فهم هر شکل هنری اساسی است. اشیاء خودشان زیباشناسی نیستند؛ زیباشناسی در اذهان بینندگان آن‌ها قرار دارد و به همین معناست که می‌توان گفت اشیاء معانی‌ای دارند که در شکل‌شان آشکار است، زیرا این شکل‌ها هستند که بیننده‌ها می‌بینند. «هیچ‌کس نمی‌تواند شیء را درک کند، مگر اینکه ایجاد تعیین‌گر فرهنگی ادراک فرد را در نظر

^۱ Jeremy Coote

داشته باشد. هیچ حدی از مشاهده به‌تنهایی نمی‌تواند فرد را قادر سازد شیء را مثل عضوی از فرهنگ دیگر ببیند، صحبت کردن، تجربه کردن و مطالعه بخشی از راه این فهم را طی می‌کند» (Coote, ۱۹۹۲, ۲۳۷).

با الهام از کوت می‌توان گفت هیچ‌کس نمی‌تواند مفهوم زیبایی در فرهنگ بومی را درک کند، مگر آنکه علت پیدایش آن را در خود فرهنگ بومی مردمان آن کشور جست‌وجو کند. درک زیبایی و مناسک مربوط به پوشاک توسط یک ترکمن بسیار دقیق‌تر و کامل‌تر از یک غیرترکمن است. بنابراین آن هنگام که معیارهای ارزش جامعه دسته‌بندی شده و توسط افراد درک و فهم و معنا پیدا می‌کند، این ارزش‌ها درونی شده و باعث حفظ هویت ملی و قومی افراد می‌شود. اگر در این چرخه اختلالی ایجاد شود، مثلاً درک افراد از این ارزش‌ها متزلزل شود یا کامل دریافت نشود، ارزش‌ها تغییر می‌کند و هویت قومی متزلزل می‌شود. افراد بومی برای حفظ این چرخه در برابر تغییر ارزش‌ها، مقاومت می‌کنند. ولی گاهی تغییر اجتناب‌ناپذیر است و بر ارزش‌های جمعی اثر می‌گذارد و معیارهای جدیدی را ایجاد می‌کند که فهم افراد را دگرگون می‌کند. (تصویر شماره ۱)



تصویر ۱. چگونگی شکل‌گیری معیارهای زیبایی‌شناسی بومی در جامعه

(عزت‌اللهی‌نژاد و رهبرنیا، ۱۳۹۴: ۳۷)

«یکی از این تلاش‌ها در جهت تغییر معیارهای ارزشی تلاش‌های رضاخان برای یک‌دست کردن شکل لباس‌ها در ترکمن صحرا و محل ایران بود که اثرات آن تا به امروز نیز وجود دارد» (دلپچه، ۱۳۷۹: ۸).

از مردم‌شناسان سده بیستم که بحث انسان‌شناسی زیباشناسی را مطرح کرد، «مارسل موس» است. وی در سال ۱۹۲۶ کتابی با عنوان «راهنمای مردم‌نگاری» نگاشت. علاوه بر این، در سال ۱۹۶۶ کتاب «هدیه، کارکرد مبادلات در جوامع ابتدایی» را نیز نوشت. «موضوعاتی هم‌چون سحر و جادو، گذشت و تبادل هدیه در فرهنگ‌های گوناگون از پژوهش‌های

او بود» (Mauss, ۱۹۶۶: ۷۰). مارسل موس^۱، زیبایی‌شناسی را از گسترده‌ترین فعالیت‌های انسانی و جزو فعالیت‌های اساسی جوامع بدوی می‌داند. از دیدگاه او زیبایی‌شناسی هم در شیء و هم در عمل تجلی می‌یابد. موس معتقد بود زیباشناسی جلوه تفکر مردم است و تکنیک محسوب نمی‌شود. در مطالعات زیباشناسی دو وجه مادی و معنوی، اهمیت زیادی دارد. در این خصوص، اشتراوس معتقد بود: «در میان جوامع، همواره روابطی متقابل وجود داشت، مانند اقتصاد، زیبایی، مذهب، زبان و حقوق در یونان باستان، بسیار نزدیک به جوامع بومی ملانزی و شمال آمریکا بود که با وجود فاصله زمانی و مکانی، نقاط مشترک از جوامع انسانی حکایت می‌کرد» (Strauss, ۱۹۸۷: ۲۳۹).

هنر قبیله‌ای بدون آگاهی از زیبایی‌شناسی خلق نمی‌شود؛ به‌طور مثال، در یوربا میان زیباشناسی و نظم اخلاقی رابطه‌ای وجود دارد و هر دو در راستای یکدیگرند و زیبایی را به سه دسته کلی تقسیم می‌کنند: دارایی، موقت و دائمی. در زبان ایلام‌ها نیز کلمه زیباشناسی به‌تنهایی وجود ندارد و درخصوص هنر از دو واژه «خوب» و «درست» استفاده می‌شود. بنابراین هر جامعه‌ای تعریف خاص خود را از زیبایی‌شناسی دارد. در اصل غرب مفهومی از زیبایی‌شناسی را به دیگر فرهنگ‌ها صادر می‌کند و در پی ایجاد یک الگوی جهانی از مفاهیم زیبایی‌شناختی است و این نکته بسیار مخاطره‌آمیز است. نظریه‌پردازان غربی به تولیدات فرهنگ‌های دیگر برای یافتن ارزش‌های زیباشناسانه توجه می‌کنند و نه به فرایند و عملکرد دسترسی به آن. در نظام غربی، زیبایی با خوبی توأم است؛ درحالی‌که زیبایی‌شناسی در جوامع دیگر با لذت و درد همراه است. حس زیبایی‌شناسی به‌طور طبیعی در انسان وجود ندارد، بلکه آدمی این حس را می‌آموزد. همه ما آموخته‌ایم که باید حس زیبایی‌شناسی داشته باشیم و مفهوم آن در جوامع مختلف گوناگون می‌باشد. همان‌طور که در جهان با تغییر پوشاک سنتی مانند کیمونوی ژاپنی می‌توان آن را به شیوه‌ای که در زندگی روزمره قابل استفاده شود، تغییر داد. پوشاک و زیورآلات سنتی و ملی را هم می‌توان به‌گونه‌ای که ماهیت آن حفظ شود، مدرن کرد.

یکی دیگر از مهم‌ترین پژوهش‌ها توسط ادموند لیچ، انسان‌شناس بریتانیایی انجام شد که مهم‌ترین دغدغه او این بود که تا چه حد درک افراد غربی و غیربومی به درک فرد بومی نزدیک است؟ لیچ نیز معتقد است در انسان‌شناسی زیباشناسی بومی باید بر کشف زیبایی از دیدگاه فرد یا جامعه تولیدکننده شیء یا فعالیت تأکید کرد و نباید دغدغه اصلی این باشد که هنر بدوی برای ما چه معانی دارد؟ بلکه باید پرسید هنر بدوی چه معانی برای سازندگان آن دارد؟ از نظر او بیشتر تفسیرهایی که از هنر بومی می‌شود، منطقی نیستند، زیرا از دریچه نگاه و درک متفاوتی پدید آمده است. برای مثال، برخی از نمادها یا رفتارهای نمادین میان اقوام و قبایل از طریق نگرش فردی تفسیر و تحلیل می‌شود که با کارکرد و معانی آن در جامعه خالق متفاوت است؛ بنابراین در تفسیر ارزش‌های جمعی باید شناخت مناسبی از آن جامعه داشت (Leach, ۱۹۶۷: ۵۲).

یکی دیگر از نظریات حوزه زیبایی‌شناسی مربوط به مکتب، انسان‌شناس بلژیکی است. از نظر او فرهنگ اجتماعی سه سطح تولیدی، اجتماعی و هویتی دارد که خود به بخش‌های فرعی تقسیم می‌شود که یکی از آن‌ها زیبایی است

^۱ Marcel Mauss

(Coote, ۱۹۹۲: ۲۳۴). او اعتقاد دارد که اشیاء در یک فرهنگ با آگاهی بر معیارهای زیبایی طبقه‌بندی می‌شوند. از نظر او نیز سنجش معیارهای زیبایی در جوامع دیگر با شاخص غربی اشتباه است و چنین مطرح می‌کند که ما درواقع زیباشناسی را به دیگر فرهنگ‌ها صادر می‌کنیم و این مسئله مخاطره‌آمیز است، زیرا در برخی فرهنگ‌ها این موضوع دغدغه جامعه نیست. با وجود این، یکی از ابزارهای میان فرهنگی، انتقال مفاهیم زیباشناسی است که باید محتاطانه انجام شود (Maquet, ۱۹۷۹: ۴۷). پویوت فیلسوف فرانسوی نیز اظهار داشت حس زیبایی حاصل تجربه شناخت است و این حس عمیق‌ترین حس، دور از دسترس و بیان‌ناشدنی است. از نظر او حس زیبایی به‌طور طبیعی در انسان وجود ندارد، بلکه انسان این حس را می‌آموزد. به باور او همه ما آموخته‌ایم که باید حس زیباشناسانه داشته باشیم (Pouivet, ۲۰۰۰: ۴۹-۵۰).

۲. یافته‌های پژوهش

ارزش‌های جمعی نقش مهمی در معیارهای زیبایی بومی ایفا می‌کند. وجود زیورآلات ترکمن که زنان از گذشته تا به امروز استفاده می‌کردند برای حفظ هویت و قدرت آن‌ها بوده است و زیبایی حاصل از آن با معیارهای جمعی (منظور جامعه ترکمن‌ها) سنجیده می‌شود. شاید آن حجم و ابعاد زیورآلات برای زنان جامعه دیگر عجیب و یا حتی زشت به نظر برسد، برای همین است که مطرح می‌شود زیبایی در مطالعات مردم‌شناسی در همان جامعه بومی باید مطالعه و بررسی و سنجیده شود. وجود زیورآلات ترکمن ارزش‌ها و باورهای خاصی را برای آن جامعه پدید می‌آورد. این ارزش‌ها و باورها به کدهای خاصی در خودتئینی زنان ترکمن به کمک زیورآلات خود تبدیل شده و افراد جامعه آن را درک می‌کنند. برای مثال، استفاده از گل یقه در ابعاد بسیار بزرگ فقط برای زن ترکمنی که از آن به‌عنوان سپر دفاعی در جنگ در گذشته یا پوشاندن یقه پیراهن ترکمنی که برای آسان کردن فرایند شیردهی به نوزاد بزرگ تعبیه شده است یا وجود نماد قوچ یا شاخ قوچ در زیورآلات کودکان و بزرگسالان شاید در وهله اول عجیب به نظر رسد. اما این موضوع در جامعه ترکمن که همواره در هم زیستی با طبیعت بوده است و قوچ برای آن‌ها به‌عنوان دامدار نماد برکت، روزی و دارای ارزش است و معنای دیگری دارد که آن را به اشکال گوناگون در زیورآلات خود استفاده می‌کنند. بنابراین هرگونه نارسایی در فهم این کدهای ارزشی و باورها، مفهوم و هویت آن را زیر سؤال می‌برد. به همین دلیل گفته می‌شود با وجود رسانه‌ها و زندگی مدرن جامعه امروز که امکان خطا در فهم این کدهای ارزشی را دوچندان می‌کند، باید به بررسی ریشه این باورها و ارزش‌ها و علل و چرایی استفاده از آن‌ها بیش از پیش پرداخت.

۲.۱. زیورآلات

زیورآلات به‌مثابه نوعی از پوشش در ساختار اجتماعی جامعه وجود داشته است و توسط آفرینش‌گران آن با قواعد مشخصی عرضه می‌شود و در بافت اجتماع مورد خوانش و تحلیل قرار می‌گیرد. زیورآلات به‌نوعی نظامی متشکل از نشانه‌ها و رمزگان است که به‌واسطه این نشانه‌ها معنادار می‌شود. در نتیجه، هر سبکی از زیورآلات می‌تواند به یک دسته از قواعد که راجع به مجموعه‌ای از ارزش‌ها هستند و دارای نظام نشانگی است، تعلق داشته باشد (شعیری،

۱۳۸۸: ۶۰). هر سبکی از زیورآلات دارای پیام‌ها و باورهای نهفته در آن است و با بررسی مردم‌شناسی این نقوش می‌توان به معانی و باورهای پشت آن پی برد. زیورآلات در گذشته از عناصر طبیعت هم‌چون انواع سنگ‌ها و صدف دریا یا استخوان حیوانات صید شده بوده است. برای مثال، از جمله قدیمی‌ترین زیورآلات کشف‌شده، همانا صدف سوراخ شده‌ای در غاری در شرق مراکش بود که قدمت آن به ۱۱۰ هزار سال پیش می‌رسید. سال‌های متمادی زندگی با سنگ و فرم‌دادن به قطعات سنگی به انسان آموخته بود مقاومت سنگ‌ها با یکدیگر تفاوت دارد. شاید وجود خاصیت سرسختی در سنگ‌ها برای انسان جالب توجه بود و به دلیل این نوع دیدگاه انسان به طبیعت، همراه داشتن این قطعات سخت و محکم را یابوری برای مقاومت خود در برابر فراز و فرودهای زندگی در طبیعت می‌دانست. «با درک تفاوت در مقاومت و پایداری و حرارت‌دادن این قطعات اشکال فلزی کشف شدند و در نهایت شناخت فلزات کمک شایانی به تغییر رویه زندگی بشر کرد» (غیبی، ۱۳۹۸: ۳۵).

آن زمان که نخستین میل به خودآرایی در انسان شکل گرفت، زیورآلات به‌عنوان هنری کهن و سنتی در جهت اغناء این حس برآمد. هدف از ساخت و به‌کاربردن زیورآلات تنها از منظر زیبایی‌شناختی نبوده، بلکه ابعاد فرهنگی و اعتقادی را نیز دربر می‌گیرد. انسان‌ها از گذشته، فلزات و سنگ‌ها را با مهارت ویژه، تغییر حالت داده و از آن به‌عنوان زیور شخصی یا به‌منظور نمایش حیثیت اجتماعی یا با هدف انجام مراسم آیینی استفاده کرده‌اند. ترکمن‌ها از اقوام ایرانی هستند که از نظر تنوع و کمیت استفاده از زیورآلات سنتی، شایان توجه‌اند. زیورآلات بخش مهم و جدانشدنی از پوشش زنان ترکمن محسوب می‌شود. اگرچه امروزه هم‌چون بسیاری از جوامع و اقوام دیگر، هدف اصلی یا شاید تنها هدف استفاده از زیورآلات، خودآرایی تلقی می‌شود، اما در حقیقت «منشأ وجودی و دلایل کاربردی اغلب زیورآلات، فراتر از خودآرایی مطلق بوده است» (حسینی اشلقی، ۱۳۹۷، ۲۷).

۲.۲. انواع زیورآلات پوشاک

مسئله اصلی پرداختن به موضوع زیورآلات پوشاک این است که در فرایند تغییر سبک زندگی ترکمن‌ها هم‌چنان بسیاری از افراد مسن در میان آن‌ها برای زیورآلات خود بسیار ارزش قائل‌اند و آن را به لباس خود آویزان می‌کنند و به کارکردهای آن کاملاً اعتقاد دارند و همواره سعی دارند تا به طرق گوناگون آن را به نسل‌های بعد خود منتقل کنند. زنان حافظ ثروت خانواده بودند و شرایط زندگی کوچ‌نشینی، ایجاب می‌کرد آن‌ها با ارزش‌ترین و قیمتی‌ترین اشیاء خود که همان زیورآلات است به خود متصل و حمل کنند، کار بسیار دشواری به‌شمار می‌رفت. زیرا این زیورآلات، سنگین و در حجم‌های بسیار بزرگ بود و یکی از مسئولیت زنان خانواده به حساب می‌آمده است و باعث ایجاد حس امنیت می‌شده است. امروزه این زیورآلات نه‌تنها یادگاری‌های ارزشمندی برای فرزندان آن‌ها به‌شمار می‌آمده است، بلکه هرکدام خاطره‌ای از شیوه زندگی زن ترکمن به همراه دارد که اهمیت مطالعه آن نیز از همین جهت است. از سوی دیگر، وجود اعتقاد به نیروهای ماورایی و احترام بسیار زیاد ترکمن‌ها به طبیعت به‌خاطر هم‌زیستی با آن‌ها در

آغوش طبیعت باعث شده تا برای دفع نیروهای شر و منفی نیز فلزاتی در قالب زیورآلات به خود آویزان کنند؛ زیرا اعتقاد داشتند صدای آن، نیروهای منفی را از آن‌ها دور می‌کند.

تنه‌چور^۱: تنه‌چور زیوری است که اغلب مثلثی کوچک در وسط آن به چشم می‌خورد و تکه‌های هندسی دیگر در اطراف آن، از قاعده مثلث شرابه‌های با زنجیر آویزان است. در میان ترکمن‌ها شتر جز مقدس‌ترین حیوانات است و از طرفی، مثلث در بسیاری از فرهنگ‌ها نماد کوه و مقاومت است. حال همین مثلث نماد کوهان شتر است و در این زیور استفاده می‌شود. روی تکه‌هایی که با شکل‌های هندسی است، نگین‌ها نشانده می‌شود، بر سر این زیور به کت زنان، در دو طرف بالای سینه، دوخته می‌شود و از نمونه برتر از زیورآلات سنتی ترکمن است. تنه‌چور مثل گوشواره جفت و هم شکل ساخته می‌شود که یکی در یک‌سو و دیگری در سوی دیگر کت قرار می‌گیرد. گاه به بوروک دوخته شده و همراه قبه استفاده می‌شود که در این صورت از دو طرف گوش‌ها آویزان می‌شود. از تنه چراغلب زنان طایفه تکه استفاده می‌کنند. (تصویر شماره ۲)



تصویر ۲. زیور پوشاک، تنه‌چور (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۲۴)

چاپ راز چانگا^۲: یکی از مهم‌ترین وسایل زینتی زنان ترکمن است که در دو طرف سینه روی قبا (کت بلند زنانه ترکمنی) معمولاً از زیرتنه چر دوخته می‌شود. نام این زیور برگرفته شده از دو کلمه چپ و راست است. این زیور از شانه تا کمر امتداد داشته و شامل دو تکه زیور بلند مستطیل شکل است که به‌طور دائمی روی لباس زنان دوخته می‌شوند. لازم به ذکر است که هر تکه از این زیور از به‌هم پیوستن و کنار هم قرارگرفتن قطعات ریز دایره یا لوزی شکل حاصل می‌شود و در دو انتهای این زیور دو تکه «گن جیک» یا «چانگا» قرار می‌گیرد و ردیف منتهی به لبه را نیز معمولاً با آویزها و رشته‌هایی به‌نام «یلیک» که به شکل برگ یا ماهی هستند، تزئین می‌کنند. براساس اعتقادات توتیسم ماهی نماد باروری، تقویت حیات و نیروی آب مبدأ و حافظ زندگی است. (تصویر شماره ۳)

^۱ Tenachor

^۲ Chapraz change



تصویر ۳. چاپ راز چانگه (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۲۵)

گن جیک^۱: زیور گردن و سینه‌آویز مخصوص زنان ترکمن است که امروزه بیشتر در منطقه جرگلان استفاده می‌شود. این زیور زنانه حدود نهصد گرم وزن داشته و از نظر شکل و تزئینات ظاهری مشابه به چانگا دارد. این زیور روی سینه و در دو طرف شکم آویزان می‌شود و به‌نوعی وجود آن به زنان ترکمن قدرت و عزت می‌بخشد و آن‌ها را در مرتبه بالایی قرار می‌دهد. زنان ترکمن طایفه تکه و یموت به‌هنگام شرکت در جشن و مراسم، آن‌ها را به طرفین نیم‌تنه لباس خود نصب می‌کنند. (تصویر شماره ۴)



تصویر ۴. گن جیک (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۲۵)

گل یاکا^۲: گل یاکا زیور یقه زنان ترکمن است و کارکرد آن شبیه دکمه پیراهن است. پیراهن سنتی زنان ترکمن دارای یقه ایستاده ساده (یقه ملایی) است با چاکی در پیش سینه. در دو طرف یقه حلقه‌ای از بند نخی گذاشته می‌شود و گل یاکا به‌وسیله برجستگی پشت آن، در حلقه‌های نخی قرار می‌گیرد و یقه را می‌بندند. گل یقه زیوری قلاب مانند است که از طلا یا نقره ساخته شده و کاربرد دارد. این زیور به شکل دایره‌ای طلاکوب است که عموماً با نگین‌هایی از جنس فیروزه، سنگ عقیق و یا شیشه‌های رنگی تزئین می‌شود. البته این کارکرد گل یقه مربوط به گذشته بوده و

^۱ Gen jik^۲ Golyakha

امروزه تنها از نظر تزئینی کاربرد دارد و به‌عنوان زیور روی سینه مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین به‌طور کلی گل یقه به دو منظور استفاده می‌شده است.

(۱) در ابعاد بزرگ به‌عنوان نوعی سپر در هنگام جنگ‌هایی که قوم ترکمن درگیر آن بوده است و این نشان از حضور فعال زنان دوشادوش مردان در رزم را داشته است.

(۲) از آنجاکه لباس زن ترکمن پیراهن‌های بلند سوزن‌دوزی شده است و دارای یقه‌های باز که برای شیردهی زن ترکمن به فرزند مناسب باشد، لذت گل یقه به‌عنوان سنجاق مستترکننده و بستن جلو یقه لباس کاربرد داشته است. گل یقه زنان طایفه یموت اغلب به شکل دایره‌های بزرگ و دارای نگین‌هایی از جنس عقیق و فیروزه است و برحسب ردیف نگین‌های نشانده در آن به اسامی مختلف نامیده می‌شود. برای مثال، «وچ آی لم لی گل یا کا»؛ یعنی گل یقه دارای سه ردیف نگین است. برخی اوقات برجستگی میان گل یقه بیش از اندازه بزرگ و بارز است که به آن «قومار چاقلی گل یاکا» می‌گویند. گل یقه زنان طایفه تکه و گوگلان معمولاً به شکل شش‌ضلعی، مستطیل و دایره است و اغلب آن‌ها با شرابه‌های نگین‌دار مزین شده است. برخی اوقات، برای اینکه نظم شرابه‌ها به هم نخورده و به‌صورت ردیف روی لباس قرار گیرد، گل یقه را بر پارچه‌ای به اندازه زیور می‌دوزند و بعد آن را به یقه می‌زنند. به گل یقه شرابه‌دار «شلیپه لی گل یا کا» یا «دوکوروملی گل یاکا» می‌گویند که از زیورآلات سنتی ترکمن و برجسته‌ترین زیورآلات ترکمن‌ها به‌شمار می‌آید. (تصویر شماره ۵)



تصویر ۵. گل یقه، (مأخذ: نگارنده)

تومار^۱: تومار به شکل استوانه‌ای توخالی و از جنس نقره است و بر گردن آویزان می‌شود. تومار با بندی از جنس پارچه و یا نخ به نام «الجه یوپ» یا با بند مهره‌داری به شکل دانه‌های تسبیح به نام «هونجی» یا با تکه‌های هندسی کوچکی که به هم متصل شده باشند، برگردن انداخته شده و در جلوی سینه آویزان می‌شود. البته گاه نیز بر روی لباس در قسمت پهلوها دوخته شده و گاه با کمک بند از روی شانه دختران جوان آویخته می‌شود. با شرابه‌های فراوان که در انتهای شرابه‌ها گلوله‌هایی (دوومه) به زنجیر وصل است. روی این زیور با نگین‌هایی از جنس عقیق و دیگر سنگ‌های

^۱ Tomar

قیمتی و یا شیشه‌های رنگی که اغلب به رنگ قرمز و جگری است، مزین شده است. (تصویر شماره ۶) قسمت استوانه «تومار» باز و بسته می‌شود و انواع دعا و طلسم را در داخل آن می‌گذارند و بر این عقیده‌اند که از بلایا درامان می‌مانند و در گذشته برای انتقال یادداشت‌های مخفی بزرگان و سلاطین توسط پیک‌ها و یا نگه داشتن انواع دعا و طلسم استفاده می‌شده است. این زیور که معمولاً برای زنان ترکمن ایل تکه استفاده می‌شده، امروزه کم‌تر دیده می‌شود و حالت عتیقه به خود گرفته است. برخی از تومار را که با بند پارچه‌ای یا نخ بسته می‌شوند، معمولاً علاوه بر آویختن به گردن از زیر بغل نیز رد می‌کنند، که در این صورت تومار در پهلوی زن قرار می‌گیرد (باتیروا، ۱۳۸۴: ۱۲).



تصویر ۶. تومار، (مأخذ: نگارنده)

آچارباغ^۱: آچارباغ شبیه به طومار و گردن‌آویزی مستطیل شکل است که از جنس نقره ساخته می‌شود. این زیور به روی سینه متصل شده و شامل قطعات کوچک آب طلا داده شده است که با زنجیر به هم وصل می‌شوند. اینکه آچارباغ امکان باز و بسته شدن را دارد و درون آن انواع دعا و طلسم جهت چشم‌زخم جای می‌گیرد، آچارباغ هم ساده است و هم با آویزه‌هایی از سکه. آچارباق مثل مدالی به گردن آویخته می‌شود و معمولاً با بند پارچه‌ای یا زنجیری از مهره‌های رنگی و یا با تکه‌های هندسی که به هم زنجیر شده باشند، به گردن آویخته می‌شود. اگر از تکه‌های هندسی شکل گرفته باشد، آن را به پارچه‌ای می‌دوزند تا نظم تکه‌ها به هم نخورد، برخی اوقات نیز آچارباغ با چند ردیف زنجیر به گردن آویخته می‌شود. (تصویر شماره ۷)



تصویر ۷. آچارباغ، (مأخذ: نگارنده)

^۱ Acharbagh

هیكل یا دوغاقاپ^۱: هیكل نوعی «دوغاقاپ» و به شکل کیف در ابعاد کوچک و فلزی است که در گذشته از آن برای نگهداشت دعا و طلسم استفاده می‌شده و کاربرد دیگر آن به‌عنوان کیف مخصوص زنانه‌ای بوده که زنان آن را برای نگهداری وسایل قیمتی خود چون طلا و نقره و زیورآلات بر گردن یا بر روی شانه می‌انداختند. از انواع دیگر این زیور می‌توان به مواد زیر اشاره کرد:

یکی از انواع آن با جنس نقره است که یا زنان آن را بر پوشاک خود می‌دوزند و یا با بندی از جنس پارچه که بر روی آن تزئینات دلربایی نیز دارد، از یک طرف بدن بر روی شانه آویزان می‌کنند. نوع دوم این دوغاقاپ‌های نقره‌ای با نگین‌های قرمز و جگری باشکوه تزئین می‌شود که به آن «قزیل خوزا» می‌گویند. نوع سوم آن از جنس چرم و به شکل پاکت دوخته می‌شود و روی آن با طلا، نقره و یا عقیق تزئین می‌شود. طرح‌های نوامانند مستقیمی به رنگ‌های زرد و سفید در دو طرف آن دیده می‌شد. این نوع نوارهای سفید و سیاه یا سفید و زرد همچنین میان ترکمن‌ها برای محافظت و دفع چشم‌زخم نوارهایی با نقطه‌های سیاه و سفید سوزن‌دوزی می‌کردند و آن‌را به‌دست فرزند تازه‌سرباز خود و یا کسانی که به زیارت خانه خدا می‌رفتند، می‌بستند.

کیسه دعا^۲: زنان مسن ترکمن غالباً کیسه‌های دعایی دارند که از جنس پارچه بوده و روی آن‌ها به‌صورت دست‌دوزی و سوزن‌دوزی‌های زیبا شکل داده می‌شود. آنان این زیور را با سنجاق به پوشاک خود متصل کرده و داخل آن نیز با هدف حفظ سلامتی و چشم‌زخم، اوراد و دعا یا برخی از آیات قرآن کریم قرار می‌دهند. (تصویر شماره ۸)



تصویر ۸. کیسه دعا. (امیدی، ۱۳۸۲: ۱۹۴)

۲.۳. زیورها و نظربندهای کودکان

^۱ Dogha ghab

^۲ Kise Doa



تصویر ۹. زیور کودکان، (مأخذ: نگارنده)

آق‌یای^۱: زیوری است به شکل تیر و کمان که شرابه‌هایی در لبه پایینی آن آویزان است. این زیور به پشت کت کودکان پسر دوخته می‌شود. (تصویر شماره ۱۰)



تصویر ۱۰. زیور تیر و کمان (معطوفی، ۱۳۸۸: ۱۲۶)

پیلان‌باش: پیلان‌باش، نظریه‌گیری قاب‌مانند از جنس نقره است که با آویزهای مثلث‌شکلی آراسته می‌گردد. این زیور جهت محفوظ‌ماندن کودکان و گاه زنان از چشم‌زخم و بلایای ناگهانی، یا به گردن آویخته شده و یا به سرشانه لباس‌شان دوخته می‌شود. لازم به ذکر است که این زیور امروزه نیز در میان طبقه سنتی ترکمن‌ها استفاده می‌شود.

دادران^۲: ترکمن‌ها برای حفظ کودکان خود و مصون نگاه داشتن آن‌ها در برابر حوادث، انواع تومار را از گردن کودکانشان آویزان می‌کردند. یکی از انواع این تومارها «دادران» نام دارد. دادران چوب درختی مقدس است که پس از پرداخت هنری، با آب طلا زراندود می‌شود و در کنار دو سکه ستاره شکل نقره به‌صورت زیور درآمده و به‌همراه تسبیحی به نام

^۱ Oghyay

^۲ Dadran

دادارن از گردن کودک آویزان می‌گردد. این زیور در میان مردم ترکمن به اسامی دیگری چون گوش ماهی، مارسر و ماردهان نیز خوانده می‌شود.

چاقلن برک^۱: نوع دخترانه زیور آق‌بای که توسط دخترچه‌های یموت مورد استفاده قرار می‌گیرد، «چاقلن برک» نامیده می‌شود. این زیور مشابه نوع پسرانه‌اش به شکل تیر و کمان بوده و از پشت کت یا نیم‌تنه لباس دختران آویزان می‌شود. لازم به ذکر است که جنس این زیور از نقره بوده و تزئیناتی از طلا دارد. آویختن این زیور به لباس دختران به مفهوم آرزوی والدین برای به دنیا آوردن فرزندی پسر از جانب آن دختر در آینده است (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۲۴).

دواجق^۲: دواجق نوعی نظربند مخصوص کودکان است که برای دفع چشم‌زخم به لباس آن‌ها آویخته می‌شود. این زیور از کیسه‌ای پارچه‌ای یا چرمی تشکیل شده که به آن آویزهای مثلث‌شکلی با مهره‌های فیروزه‌ای رنگ، صدف دریائی و ناخن باز پرنده شکاری آویزان است (همان).

۲.۴. باورهای عامیانه در مورد زیورآلات ترکمن

زنان ترکمن در مدیریت مالی و حفظ ثبات خانواده نقش مهمی داشتند و مسئول نگهداری از ثروت خانواده بودند؛ زیرا در گذشته، کوچ پی در پی، نزاع قبایل با حاکمیت و عدم ثبات و امنیت این باور را در خانواده‌های ترکمن شکل داده بود. زیورآلات ترکمن به دلیل سنگین و چندتکه بودن که به صورت رنگارنگ با سنگ‌های درخشان روی هم انداخته می‌شد، و از طرفی به علت شیوه زندگی کوچ‌نشینی و دامداری و بسیاری از مسئولیت‌هایی که به زن خانه محول می‌شد، ترجیح می‌داد اشیاء قیمتی را با خود حمل کند.

ریشه «زی ن» در قرآن در ۴۴ مورد به کار رفته است. در بیان قرآنی گاه واژه زینت با زخرف (انعام: ۱۱۲) ریش (اعراف: ۲۶)، جمال (نحل: ۶۶) و حلیه (نحل: ۱۴، فاطر: ۱۲) یکی شناخته می‌شود و در معنای لباس، فلزات قیمتی آورده شده است (باشی‌زاده مقدم، ۱۳۹۶: ۵۵). بنابراین توجه اقوام ایرانی به زیورآلات پوشاک و آراستگی ریشه در تعالیم اسلامی نیز دارد. همچنین ساخت زیورآلات ترکمن از جنس نقره به دلیل تعالیم اسلامی و قرآنی ترکمن‌هاست زیرا استفاده از طلا مکروه دانسته شده عموماً صنعت ساخت زیورآلات به صورت ورشو و نقره می‌باشد. همچنین وجود نقش و نگار حیوانات همچون قوچ، شتر بر روی زیورآلات ترکمن حاکی از توجه آن‌ها به حیوانات حلال گوشت از منظر قرآن بوده است. عقاید اسلامی و مذهبی حتی در به کارگیری رنگ زیورآلات نیز دیده می‌شود، رنگ سبز که نماد رنگ خاندان پیامبر است در پوشاک و سربند آن‌ها بسیار دیده می‌شود. از طرفی زیورآلاتی چون گل یقه که در ابعاد بزرگ با سطح پهن مورد استفاده قرار می‌گرفت. قسمت گردن و سینه را می‌پوشاند و دست‌بندهای بسیار بزرگ که علاوه بر جنبه محافظتی، دست را تا مچ می‌پوشاند که همگی از آموزه‌های قرآن به ترکمن‌ها رسیده است. استفاده از آیات قرآن بر روی زیورآلات استفاده از آیات قرآن در زیور طومار نیز بسیار مرسوم است و این زیور فرد را از بلا دور می‌کند. آیاتی

^۱ Chaghlin Burk

^۲ Dovajegh

همچون «ان یکاد»، «آیه الکرسی»، «معوذتان»، «فلق»، «ناس» به تنهایی یا با سوره‌های «کافرون» و «اخلاص» که میان مردم به چهارقل مرسوم بوده را بر روی کاغذ کوچکی نوشته و داخل زیورآلات خود قرار می‌دهند. میرچا الیاده اعتقاد دارد سنگ و استفاده از آن جنبه جادویی و ماورایی دارد تا جنبه مذهبی و بعضی از این سنگ‌ها نماد منزلت و اقتدار هستند و صاحب شئی سنگی عامل و مجری قدرتی است که به او به ارث رسیده است (الیاده، ۱۴۰۱: ۳۷).

زیور تومار از جمله زیورآلات پرکار ترکمن‌هاست که به دلیل محفظه نگهداری کاغذ مکتوب دعاست به این نام شناخته می‌شود. در محفظه‌ای که در این زیور تعبیه می‌شود، دعاهایی مربوط به چشم زخم، استحکام پیوند زناشویی، محافظت از بلا و دور کردن چشم شور و افزایش نیروی باروری است. این زیور برای خاصیت میکروب‌کشی آن از نظر ترکمن‌ها از جنس نقره ساخته می‌شود و حتی مردان که در جنگ زخمی می‌شدند آن را روی زخم خود قرار می‌دادند. عقیق جگری رنگ روی تومار نیز خاصیت درمانی و مقدس دارد. به طور کلی رنگ قرمز در میان ترکمن‌ها رنگ پرتفرداری محسوب می‌شود و رنگ جوانی و نوزایی و میل به زندگی و رازآمیز است. قرمز نماد عشق پاک نیز می‌باشد و در تمدن‌های شرقی همچون هند و چین و ژاپن نیز جایگاه ارزنده‌ای دارد. وجود شرابه‌های متحرک در این زیور برای تولید صدای زیر و بم می‌باشد؛ زیرا در باورهای عامیانه ترکمن‌ها فلزات سحر و جادو را باطل می‌کنند و اجنه از فلزات می‌ترسند و دوری می‌کنند. نقش سه گوش تومار که بر روی بسیاری از پوشاک ترکمن‌ها نیز سوزن‌دوزی می‌شود و به نوعی به شکل مثلث است نماد از اعتقاد به ثنویت در باورهای مذهبی و طبیعت سه‌گانه است. در برخی از آیین‌ها و مذاهب مثل یونان، مصر، مسیحیت و هنر و تثلیث با اعتقاد به سه نفس مقدس وجود دارد و مثلث تشعشع شدید بصری دارد و در میان ترکمن‌ها از آن جهت که شبیه به کوهان شتر است و شتر بعد اسب دومین حیوان مورد علاقه ترکمن‌هاست.

در نقوش سوزن‌دوزی و زیورآلات بسیار استفاده می‌شود. ترکمن‌های ایران پیش از اسلام همانند اقوام آسیای مرکز تأثیر پذیرفته از ادیانی چون (بودایی، مانوی، شمنی، طبیعت‌پرست بودند) و اعتقاد به مقدس بودن آب، ارواح نیاکان و نیروهای نامرئی در پوشاک و زیورآلات آنان نیز نفوذ پیدا کرده است. زیورآلاتی با شرابه‌هایی آویزان که با تولید صدا، ارواح خبیثه را از خود دور می‌کند و این عقیده ترکمن‌ها تا امروز که به اسلام هم گرایش پیدا کرده‌اند، همچنان پابرجاست برخی از زیورآلات ترکمن شرابه‌هایی آویزان می‌باشد که در گذشته برای دور کردن ارواح خبیثه از آن استفاده می‌شده است و صدایی که این زیورآلات تولید می‌کردند باعث دوری این ارواح خبیثه می‌شده است. ترکمن‌ها برای حفظ و نگهداری فرزندان خود از شر موجودات غیبی و حوادث غیرقابل پیش‌بینی زیورآلاتی مخصوص همچون تومار از گردن فرزندان خود آویزان می‌کردند. هنگامی که کودک کمی بزرگ‌تر می‌شود و شروع به راه رفتن می‌کند زنگوله‌ای به نام پوقاوی به پای کودک بسته و صدای جیرینگ جیرینگ تولید شده حاصل از آن به معنای دفع بلا می‌باشد. در میان اقوام ترکمن زرگرها تفکرات و باورهای خود را روی زیورآلات حک می‌کنند. درواقع این اعتقاد باطل‌السحر بودن فلزات را می‌توان در این میان مشاهده کرد. در روز نامزدی داغدان به همراه آلاجه برای درمان ماندن عروس از پلیدی بر گردن او آویزان می‌شود. در لباس هم از دغدان، مهره، پشم شتر استفاده می‌شود تا صاحب آن از

بلایا حفظ شود. کودکان و دختران جوان اغلب آلاجه و دغدان بر گردن خود آویزان می‌کنند تا در برابر شر و پلیدی در امان باشند (رستمی و میر، ۱۳۹۴: ۱۶).

۲.۵. زیورآلات در ادبیات عامه و فرهنگ شفاهی ترکمن‌ها

یکی از زیورآلات مهم در فرهنگ شفاهی ترکمن‌ها، قوچ است. قوچ در میان اقوام ترکمن که شغل اصلی آن‌ها دامپروری بود و به شیوه کوچ‌نشینی برای پیدا کردن مراتع مناسب برای حیوانات و دام‌های خود زندگی می‌کردند، دارای اهمیت بسیاری است. قوچ نمادی از باروری، نعمت و برکت، نیرومندی، وقار و تواضع و دانایی است. شاخ قوچ هم‌چنین (ماه فروردین) است، لذا نماد افکار نو و طلوع دوباره است. یکی از زیورآلاتی که شاخ قوچ در آن کاربرد دارد (بزبند) است. این نوع از زیور به پشت کت یا آستین لباس کودک دوخته می‌شود و یا همچون طومار به گردن آویخته می‌شود. این زیور دارای فضایی برای قراردادن دعا یا قرآن است تا کودک را از هرگونه بلا و شر و چشم و زبان بد دور کند. شکل ظاهری آن مربع یا دایره و چهار طرف آن حلقه دوخته شده تا بتوان آن را به لباس متصل و میانه آن سنگ عقیق قرار دهند. (تصویر شماره ۱۱)



تصویر ۱۱. زیور با طرح شاخ قوچ، (مأخذ: نگارنده)

نتیجه‌گیری

نقش و نگار زیورآلات ترکمن الهام گرفته از زندگی روزمره و طبیعت پیرامون مردمان آن است. این زیورآلات مجموعه از دیده‌ها و شنیده‌ها و تخیلات خالق آن است. نقش‌مایه‌های طبیعی تبدیل به تصورات ذهنی و باورهای ترکمن شده است. به همین دلیل در زیورآلات پوشاک ترکمن، خلاقیت‌ها و تغییرات زیبایی فراوان و فی‌البداهه‌ای را شاهد هستیم که ویژگی در آن کم و زیاد می‌شود و از یک الگوی یکسان استفاده نمی‌شود. هنر مردمان ترکمن همچون روحیه آن‌ها ساده و بی‌آلایش است. بیشتر زیورآلات ترکمن از نقوش هندسی ساده‌ای که به دور از ابهام و پیچیدگی است و با گذشت زمان نامی به آن اطلاق می‌شود که شاید در ابتدا زاده ذهن هنرمند آن نبوده است و بعدها به دلیل تشابه آن با ابزارآلات زندگی با گیاهان و حیوانات پیرامون آن‌ها یا جایگاه و کاربرد استفاده از آن دچار تغییر و تحول شده است. زیورآلات یکی از بنیان‌های نشان دادن هویت است؛ به این صورت که مخاطب براساس خوانش کدهای ایجاد شده بر آن می‌تواند به هویت فرد پی ببرد. به نظر می‌رسد این روش سریع‌تر از کلام، پیام خود را به مخاطب ارسال می‌کند.

به اصطلاح می‌توان «زبان» نشانه‌ها را برای آن به‌کار برد. اصالت زیورآلات متصل به پوشاک با گذشته رابطه نزدیکی دارد؛ زیرا دوباره آن را خلق می‌کند. زیورآلات متحدالشکل در مراسم (به‌ویژه عروسی) اقتدار، اتحاد و انسجام را به نمایش می‌گذارد. در زینت زنانه نمایش داشته‌های طبیعی (ظاهر) و اکتسابی و ثروت جایگاه اجتماعی اهمیت فراوانی دارد. زن ترکمن خود را با زیورآلات سنتی می‌آراید تا زیباتر به‌نظر برسد. اکثر این زیورآلات به لباس‌ها دوخته می‌شوند و همین امر باعث شده که زیورآلات جزئی از تزئین لباس‌ها به‌شمار آید. درنهایت، خاستگاه نقش و نگار و اشکال زیورآلات سنتی ترکمن برگرفته از عناصری عمدتاً طبیعی چون: ذهن و تخیل، گل و گیاه و حیوانات است.

برای نمونه در بخش ذهن و تخیل باید گفت که آب‌وهوای مطبوع و طبیعت سرسبز و دشت‌های وسیع بندر ترکمن، اساساً ذهن هنرمند ترکمن را به سمت استفاده از رنگ‌های مکمل که روح زندگی و شادی را به ظاهر و زندگی او بیاورد، می‌کشاند. مانند قرمز، قهوه‌ای روشن و ارغوانی. در ضمن هنرمند ترکمن به‌صورت انتزاعی بسیاری از اشکال هندسی نظیر مثلث، دایره را در زیورآلات پوشاک به‌کار می‌گیرد که در تناسب و همگونی با پوشاک آن‌هاست. در مورد استفاده از عناصر طبیعی و گل گیاه نیز باید گفت وجود گیاهان و انواع گل‌ها و شکل هندسی آن در زیورآلات ترکمن، نشان از تأثیر طبیعت بر دست ساخته‌های بشری است. برای نمونه گل هفت‌پر که برای خوش‌شانسی به پوشاک دختران ترکمن متصل می‌کردند، ازجمله این برساخته‌های بشری است. علاوه بر این، درخت سرو نماد اهورامزدا، ایزد برتر ایزدان ایرانی است و منزلت ارواح کهن بود و شباهت بسیاری به انسان‌ها دارد. همچنان‌که در اساطیر کهن، درخت به‌مثابه سرچشمه نژاد آدمی شناخته می‌شود.

بدون تردید به‌کاربردن زندگی در طبیعت امکان مشاهده‌گری و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ترکمن‌ها با حیوانات را به همراه دارد. برای نمونه قوچ نماد قدرت و باروری و برکت و رزق و روزی است که در بازوبند و یا پشت کت یا نیم‌تنه و یا به آستین لباس کودکان دوخته می‌شود و یا همانند تومار به گردن‌شان آویخته می‌شود. در ضمن وجود اشکال بال، سر یا نوک پرندگان در زیورآلات که نماد صلح و اوج و بلندپروازی در میان ترکمن‌ها است که در غالب شکل هندسی مثلث در چانگه استفاده می‌شود و بیشتر در لباس زنان ترکمن استفاده شده که نماد استقامت و بردباری ترکمن‌هاست.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها

- الیاده، میرچا. (۱۴۰۱). تصاویر و نمادها. ترجمه: محمدکاظم مهاجری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- امیدی، ناهید. (۱۳۸۲). کتاب دیده و دل و دست. مشهد: انتشارات به نشر.
- حسینی اشلقی، سیده رقیه. (۱۳۹۷). هنر زیورآلات ایرانی. تهران: نشر ارشدان.
- شیری گنبد، احمد. (۱۳۷۲). نغمه دختران ترکمن لاله یاپراق (مجموعه‌ای از ادبیات فرهنگ ترکمن صحرا)، قوجوق یوسف و عطا گزلی محمود، تهران: برگه.
- عسگری خانقاه، اصغر؛ شریف کمالی؛ محمد. (۱۳۷۴). ایرانیان ترکمن. تهران: انتشارات اساطیر.
- غیبی، مهرآسا. (۱۳۹۸). ۳۵۰۰ سال تاریخ زیورآلات اقوام ایرانی. تهران: انتشارات هیرمند.
- قاضی، مراد دوردی (۱۳۸۳)، ترکمن، فلکوری، گرگان: عشق دانش.
- محمدی، رامونا (۱۳۸۸). پوشاک و زیورآلات مردم ترکمن، تهران: جمال هنر.
- معطوفی، اسدالله (۱۳۸۸). تاریخ فرهنگ و هنر، ترکمنان. جلد سوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی دانشگاه تهران.

پایان‌نامه‌ها

- شهابی، عاطفه. (۱۳۹۲). «بررسی نقوش و مفاهیم زیورآلات زنان ترکمن». پایان‌نامه کارشناسی ارشد صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان.

مقالات

- باتیروا، مارال. (۱۳۸۴). «بزبند حفاظتی برای چشم زخم»، بایراق، شماره ۲۷.
- باشی‌زاده مقدم، مهرناز، راد، علی. (۱۳۹۶). «زینت‌گرایی و جوانی از منظر آیات قرآنی». فصلنامه علمی ترویجی اندیشه و حدیث، شماره ۲۹.
- دلجی، تقان گل. (۱۳۷۹). «لباس و پوشاک ترکمن از گذشته تا حال». فصل‌نامه یا بایراق، بازنویسی شهروز آقا آتا بای ۱۳۷۹.
- رستمی، مصطفی و میر، طاهره. (۱۳۹۴). «تأثیر عقیده و باورهای دینی بر زیورآلات ترکمن». مجله هنر و معماری، ۱۳۹۴، شماره ۴.

شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۸). «از نشانه‌شناسی ساختارگرا تا نشانه معنانشناسی گفتمان». فصلنامه تخصصی نقد ادبی، شماره ۸، صص ۳۳-۵۲.

عزت‌اللهی نژاد، طیبیه و رهبرنیا، زهرا. (۱۳۹۴). «آوای مو: انسان‌شناسی زیبایی‌شناسی بومی در خودتزیینی زن ترکمنی روستای دویدوخ». پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، شماره ۱، صص ۲۷-۴۷.

منابع لاتین

Coote, J. (۱۹۹۲). Anthropology, Art, and Aesthetics. Editors: Anthony Shelton & Jeremy Coote. Oxford: Clarendon Press.

Fagg, W. (۲۰۰۶). Tradition and Creativity in Tribal Art, USA: University of California.

Leach, E. (۱۹۷۶). Culture and Communication: the logic by which symbols are connected UK, Cambridge university press.

Strauss, Claude-L. (۱۹۸۷). Introduction to the Work of Marcel Mauss, translated by Flicity Baker, London Routledge & Kegan Paul.

Maquet, J. (۱۹۷۹). Introduction to Aesthetic Anthropology. Malibu undena publications.

Mauss, M. (۱۹۶۶). The Gift: Forms and Functions of Exchange in Archaic Societies. Cohen & West LTD. London.

Pouivet, R. (۲۰۰۰). On the Cognitive functioning of Aesthetic Emotions Leonardo (۳۳) ۱. ۴۹-۵۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی